

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

هویت اسلامی - عربی و استکبارستیزی در اشعار فاروق جویده و نقش او در بیداری اسلامی* (علمی - پژوهشی)

دکتر عبدالاحد غیبی
دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دکتر مرتضی قائمی
دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا
دکتر مجید صمدی
دانش آموخته زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا
یوسف رحیمزاده
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

وطن دوستی و دشمنی با استکبار از ویژگی های انسان ها و جوامع بشری است؛ به گونه ای که به عنوان یک ارزش محسوب می گردد. تاریخ نشان می دهد که کشورهای عربی همواره از فقدان استقلال و آزادی در عرصه های مختلف رنج برده و همیشه در آرزوی داشتن حکومتی مردمی و آزاد بوده اند. این امر در چند سال گذشته نمود بیشتری داشته و چندین کشور عربی از جمله مصر با قیام های مردمی وسیعی تحت عنوان های بیداری اسلامی و بهار عربی در راستای رسیدن به وطنی آزاد و مستقل به مقابله با استبداد و استکبار به پا خاسته اند. با این که این قیام ها، مردمی بوده و از دل جامعه برمی خیزد، اما نباید در شکل گیری آن ها نقش فرهیختگان، اهل قلم و شاعران را نادیده گرفت، چرا که این افراد با زبانی شیوا و قلمی تند علیه سرمداران استبداد و جبر خروشیده و زبان حال مردمشان هستند. فاروق جویده، شاعر و روزنامه نگار مصری را باید یکی از سرآمدان مبارزه با زیاده خواهی ها و ظلم های حاکمان جور و استکبار برشمرد؛ شاعر توانمندی که

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۷

a.gheibi@yahoo.com

mortezaghaemi2@gmail.com

majid_samadi@yahoo.com

rahimzadeh@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۲۲

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

در مقابل استبداد دولت حسنی مبارک و استکبار متحدان غربی او، با جسارتی تمام و با سلاح قلم به مبارزه پرداخته و با تکیه بر هویت اسلامی - عربی، در بیداری اسلامی مردم مصر نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است. او هیچ‌گاه خود را در قلمرو مرزهای جغرافیایی زادگاهش، محدود نساخته و در کنار سروده‌های پر جوش و خروش خود علیه استبداد و دعوت به بیداری اسلامی کشورش، زبان گویای سایر مسلمانان نیز بوده است.

واژه‌های کلیدی: فاروق جویده، وطن عربی، استکبارستیزی، بیداری اسلامی.

۱- مقدمه

کشور مصر از شروع تاریخ بشریت تا کنون همواره بستر تحولات، دست‌اندازی‌ها و زیاده‌خواهی‌های مستکبران تاریخ بوده است. وجود منابع و استعدادهای اقتصادی ویژه از جمله منبع سرشاری به نام نیل و از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ممتاز و منحصر به فرد مصر، موضوعی نبود که از دید فرعون‌های دیروز و امروز در امان بماند و جای تعجب نیست که این کشور از دیرباز عرصه تقابل مستضعفین و طاغوتیان باشد، دوره‌ای سران جور و ظلم فرعون‌ی و دوره‌ای دیگر دولت‌های استعمارگر اروپایی و در دهه‌های اخیر استعمار نوین به وسیله یک دست‌نشانده به نام حسنی مبارک.

۱-۱- بیان مسأله

در استبداد و وحشت سیاسی - اجتماعی دوران حسنی مبارک، عده‌ای قد علم کرده و پرچم شکسته‌ی استکبارستیزی و وطن‌دوستی را برافراشتند و داد سخن از وطن بربادرفته و ارزش‌ها و اصول فراموش شده‌ی اسلامی دادند و انگشت اتهام خود را بی‌واهمه متوجه حسنی مبارک، بوش، شارون و سایر سردمداران استکبار و استعمار کردند. در قیام و پیروزی ملت مصر و هر ملت دیگری علیه استبداد و استکبار، قطعاً افراد آگاهی چون استادان، فرهیختگان، روزنامه‌نگاران و شاعران نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کنند؛ چرا که با رهنمودها و برانگیختن احساسات مردم، مسیر را برای قیام و دادخواهی هموار می‌سازند. فاروق جویده یکی از همین افراد آگاه است که با ذهن و قلم خود، نقش بسزایی در قیام‌های مردم مصر داشته است. جسارت مثال‌زدنی او شاخصه‌ای است که او را از سایر مدعیان وطن‌دوستی و

استکبارستیزی متفاوت ساخته است و قطعاً سخن گفتن از مصر، عراق، فلسطین و لبنان، سخن از دین و خدای فروخته شده، سخن از استعمار و ... در اوضاع سیاسی دهه های اخیر مصر کار آسان و بی خطری نبود. فاروق جویده با سلاح اندیشه، احساس لطیف و زبان نافذ و تاثیر گذار خود، همراه و هم آواز حرکتی گردید که در ظهور انقلاب های اخیر کشورهای عربی بسیار موثر افتاد، اشعار جسورانه، بی پرده و پراقتدار او خون هر وطن خواهی را به جوش می آورد و هر فرد غفلت زده ای را بیدار می کرد تا در برابر استبداد، به پا خاسته و موجی از بیداری را در کشورهای عربی به راه اندازد. شعر روان، پرشور و گیرای فاروق، که بسیار ادبی، هنرمندانه و خیال انگیز سروده شده، چونان پتکی آهنین بر کالبد استبداد حاکم نواخته می شد و بی شک «ارحل» های ابیات او با فریادهای «ارحل مردم در آمیخته و جوهر قلم شیوای او با جوهر قلم پلاکاردهای مردم حاضر در خیابان ها در جریان بیداری اسلامی از یک جنس بودند.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

هدف این مقاله نشان دادن گوشه ای از قدرت ادبی شاعر در انجام یک هدف اسلامی - ملی و تحریک مردم به آرمان جویی، استکبارستیزی و اسلام خواهی است؛ تا از تلاش ها و اقدامات فراوان این شاعر و وطن دوست، نمونه هایی ارائه گردد و بارقه هایی از نقش آفرینی او در حرکت های اخیر مردم مصر و سایر کشورهای عربی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

موضوع استکبارستیزی و وطن پرستی از موضوعاتی است که همواره در بین ملت ها و فرهنگ ها، جایگاه وسیعی داشته و شاعران، نویسندگان، آزادی خواهان، رهبران احزاب و ... به روش های مختلف از وطن گفته و سروده اند و پژوهشگران فراوانی به این موضوع پرمخاطب نظر داشته و به تبیین عناصر آن در آثار ادبی و اجتماعی پرداخته اند؛ در مورد وطن پرستی و نیز ارتباط وطن دوستی با شاعران عربی نیز مقالات چندی نگاشته شده که موارد زیر از جمله آنها است:

- پایان‌نامه دکتری «تعهد ادبی و عناصر هویت‌ساز در اشعار فاروق جویده» اثر مجید صمدی که در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه بوعلی سینا نگارش یافته و در آن به میزان مشارکت فاروق جویده در مضامین سیاسی، اجتماعی، ملی - هویتی و دینی پرداخته شده است.

- مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم وطن در اشعار بهار و رصافی» اثر ناصر محسنی - نیا و فاطمه داشن که در سال ۱۳۸۸ و در شماره اول مجله ادبیات تطبیقی دانشگاه کرمان چاپ شده است.

- مقاله «بیداری اسلامی در شمال آفریقا وضعیت قدیم و جدید» اثر مرتضی شیرودی که در مجله اندیشه تقریب چاپ شده و نویسنده در آن، وضعیت سیاسی و اجتماعی بیداری اسلامی را در کشورهای عربی شمال آفریقا از جمله مصر و تونس بررسی کرده است.

با توجه به تازگی موضوع مقاله حاضر، در مورد هویت اسلامی - عربی، استکبارستیزی، اسلام‌خواهی، وطن‌دوستی و یا هر مبحث دیگری که مرتبط با فاروق جویده باشد، مقاله یا کتابی یافت نشد؛ لذا این مقاله برای اولین بار در مورد نشانه‌های هویت اسلامی - عربی موجود در اشعار فاروق جویده نگاشته و تدوین گردیده است.

۲- بحث

۲-۱- زندگی شاعر

فاروق جویده در دهم فوریه سال ۱۹۴۵ در استان کفرشیخ دیده به جهان گشود و بعد از اتمام دوران تحصیل خود در مدرسه، تحصیلات آکادمیک خود را در رشته روزنامه‌نگاری دانشکده ادبیات آغاز کرد و در سال ۱۹۶۸ فارغ-التحصیل شده و از همان سال به عنوان عضو هیئت تحریریه بخش اقتصادی روزنامه الأهرام وارد عرصه روزنامه‌نگاری گردید و پس از آن نیز به عنوان عضو، در اتحادیه روزنامه‌نگاران، مجمع نویسندگان، کارگروه شعر در مجمع عالی فرهنگ، حضور داشته است؛ او در بسیاری از فستیوال‌های شعری بین‌المللی نقشی فعال ایفا نموده و کنفرانس‌های زیادی در دانشگاه‌های مختلف کشورهای عربی

ارائه نموده است. او هم‌اکنون رئیس بخش فرهنگی روزنامه الأهرام مصر می‌باشد. «از میان آثار شعری فاروق می‌توان به «بلاد السحر الخیال»، «لیس للحب أوان»، «دائماً أنت بقلبی»، «رحلتی الأوراق الخاصة جداً»، «طاوعنی قلبی فی النسیان»، «لأنی أحبك»، «فی عینک عنوانی»، «كانت لنا .. أوطان»، «لن أبيع العمر»، «ویبقی الحب»، «وللأشواق عودة»، «هوامش حرة»، «أعاتب فیک عمری» و ... اشاره نمود که برخی از آن‌ها به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و ... ترجمه گردیده است». (نک: ویکی پدیا / فاروق جویده)

۲-۲- هویت

هویت از نظر لغوی به معنی «هستی» وجود، ماهیت و سرشت است و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (معین، ۱۳۷۷، ج ۶: ماده هویت) و عبارت است از مجموعه خصائص انسانی که شخص یا احساس درونی را تعیین می‌نماید. احساس هویت از مجموعه‌ی متفاوت احساس‌ها ترکیب می‌شود، مانند احساس وحدت، احساس تعلق، احساس ارزشی. (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۹۰) به طور کلی «آن چه را که موجب شناسایی و حقیقت شخصی یا چیزی باشد، هویت گویند» (قریب، ۱۳۷۰: ۱۳۱۲)

۲-۲-۱- هویت اسلامی - عربی

موضوع دین و هویت دینی همیشه مسأله‌ای حائز اهمیت بوده است؛ اما در قرون اخیر، اهمیت آن فزونی یافته و به موضوعی محوری در بین مدافعان و منتقدان آن تبدیل شده است (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۹). نقش دین در هویت‌بخشی به یک قوم، گروه یا جامعه، امری انکارناپذیر است. هر جامعه‌ای دارای یک سری باورهای مذهبی خاص است که باعث تفکیک و تمایز آن از جوامع دیگر می‌گردد (همان، ۲۹ به نقل از زمانی محبوب). دین در تمدن بشری و هویت‌بخشی به جامعه نقش اساسی دارد و هر چند مانند زبان، نژاد و ... شاخه‌ای از فرهنگ است؛ ولی می‌توان دین را اولین منبع هویت‌بخشی یک جامعه محسوب کرد (مالرب، ۱۳۷۹: ۱۳). از آن جایی که دین در تمامی جنبه‌های زندگی دخالت دارد و نیز

او نیز به نحوی برگرفته از میهن هستند. او در شعر خود همیشه از وطن عربی سخن می‌گوید و به صورت مستقیم و غیرمستقیم هویت مردمش را اسلامی و عربی معرفی می‌کند. وطن در دیدگاه، اندیشه و بازتاب آن در اشعار جویده تنها در چارچوب مرزهای جغرافیایی مصر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه او تمامی مردم عرب را زیر لوای یک پرچم می‌داند و در آرزوی استقلال و پیشرفت وطن عربی است. جویده همیشه در صدد اتحاد ملت‌های عربی است؛ چرا که «وحدت عربی یعنی حقیقت وجود عرب به حکم اتحاد زبان، تاریخ و آرمان‌ها؛ طوری که حتی اگر میان دولت‌ها اختلافاتی وجود داشته باشد، این اختلافات، منکر آن نمی‌شود» (الشرق‌اوی، بی تا: ۵۳).

آنچه میزان توجه و گرایش شاعر را به موضوع وطن عربی سوق می‌دهد، مسائل سیاسی و اجتماعی متعددی است که مردم عرب‌زبان در چند دهه گذشته با آن مواجه بوده‌اند. به نظر می‌رسد که استبداد سیاسی موجود در حکومت این کشورها و خفقان اجتماعی حاکم بر آن‌ها مهم‌ترین مسأله‌ای باشد که اکثر قریب به اتفاق اعراب با آن دست‌به‌گریبان هستند. مسأله بعدی فقر اقتصادی و تضاد طبقاتی گسترده در برخی از کشورهای عربی از جمله مصر و عراق می‌باشد که رفاه اجتماعی و معیشتی را از مردم سلب کرده است. با اینکه فقر، مردم کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را چندان آزار نمی‌دهد، اما در کشور خود شاعر چنان زیاد است که بخشی از قاصید او را به خود اختصاص داده است. مسأله بعدی امور فرهنگی و تعارضات موجود در فرهنگ اسلامی اعراب است که در کشورهایی هم چون لبنان به دلیل غرب‌گرایی و تشابه به فرهنگ غربی به وجود آمده است؛ اما مسأله‌ای که ذهن و زبان اکثر شاعران عرب و به‌ویژه جویده را درگیر نموده، قضیه فلسطین و اشغال این کشور از سوی رژیم صهیونیستی است؛ امری که تا حدود زیادی از سوی دولت‌های عربی مسکوت مانده و حتی از سوی برخی از این کشورها، صلح با رژیم صهیونیستی مطرح گردیده است، این امر، بیش از همه، فرهیختگان عرب را مشغول خود نموده و ایشان همواره برای آزادی مردم فلسطین تلاش‌های زیادی را انجام داده‌اند.

۲-۲-۱-۲-۱- مصر

فاروق جویده از مردان آزادی خواه و وطن دوست بزرگی است که لحظه‌ای از روشنگری مردم مصر و افشاگری استبداد دستگاه خود کامه حسنی مبارک دریغ نکرده و از وضعیت نابسامان کشور در دوران حاکمیت مبارک و قبل از آن سخن گفته و درد و رنج ملت را در قصاید متعدد به تصویر کشیده است. او در قصیده «أحزان مصر» کشورش را چون جسمی ضعیف می‌داند که استبداد حاکم، زیبایی و رونقش را تصرف کرده و دیگر خبری از بهار و شمیم آن باقی نمانده است، او نیز همانند اخوان ثالث که هوای سیاسی ایران را در دهه‌های سی و چهل سرد و زمستانی توصیف می‌کرد، (نک: اخوان ثالث، ۱۳۷۶: ۹۷) کشورش را گرفتار زمستان می‌داند و چنین می‌گوید:

رأيتك يا مصر جسما نحیلا / فأین الجمال وأین البهاء؟ / وأین ثیابك عند الربیع / وأین عبيرك ملء الفضاء؟ / سلیناك كل الذی تملكین / إلینا تعالی فأنت الحنان / إذا مات فینا زمان الوفاء / إلینا تعالی فأنت الأمان / إذا صارت الأرض للأشقیاء / سیبقی جمالك رغم الخریف / ورغم الریاح ورغم الشتاء ۱ (جویده، ۲۰۰۰: ۱۲۱)

او در قصیده «المدينة تحترق» از زادگاهی سخن می‌گوید که شعله‌های آتش هم چون گرگ‌هایی به سوی او می‌آیند و خانه‌اش را می‌سوزانند و همه چیز را از بین می‌برند:

الدار یا أمه طفل یحترق / هدی ذئاب النار بالأحزان تُسرع / النار تسری فی مدینتنا ولیس لنا مجیر / أكلت حدائقنا مزارعنا / وعصفوری الصغیر ۲ (جویده، ۲۰۰۰: ۱۲۷-۱۲۸)

زیبایی این قصیده در همه جای آن موج می‌زند اما شاعر آخرین مقطع و آخرین الفاظ قصیده‌اش را طوری می‌چیند و از نابودی و خفگی‌اش در شعله‌های این آتش فریاد می‌زند که گویی واقعا در حال جان‌کندن و فریادخواهی است، کلمات و صدای او رفته رفته قطع و خاموش می‌گردد و این همان چیزی است که مفهوم شعر نیز آن را دربرمی‌گیرد:

الدار یا أماه طفل یحترق / صدری من الدخان / یصرخ .. کاد صدری
یختنق / أماه / النار منی تقترب / أماه إنی أختنق / أماه ... / أماه ... ۳ (همان،
۱۲۹)

۲-۲-۱-۲-۲-۲-۲-۲ فلسطین

به طور قطع می‌توان گفت آن دسته از کشورهای عربی و اسلامی که سرنوشتشان تا حدودی شبیه مصر است، وطن جویده هستند. فلسطین که سرزمین پیامبران الهی است، به خاطر وضعیت موجودش دغدغه‌ای است که دل هر مسلمانی را به رنج می‌آورد و شاعری چون فاروق جویده را به سرودن اشعاری زیبا در شأن او می‌شوراند. این گونه قصاید شاعر، بسیار جدید هستند و شاعر بیشتر آن‌ها را در سایت رسمی خود و سایت‌های اینترنتی مشابه منتشر می‌کند. در قصیده زیر، شاعر نومیدانه از اندوه سرزمین پیامبران می‌نالد و از ستاره سیاهی می‌گوید که در آسمان فلسطین به چرا مشغول است. این ستاره اشاره‌ای است هنرمندانه و کنایه‌آمیز به نماد اسرائیل، دو مثلثی که روی هم قرار گرفته و به شکل ستاره‌ای درآمده‌اند و نوک یکی از آن دو مثلث، به طرف نیل و دیگری به سوی فرات است و از آرزوی یهودیان صهیونیست خبر می‌دهد که خواستار تصرف کشورهای مابین نیل تا فرات هستند:

ماذا تبقى من بلاد الأنبياء / لا شيء غير النجمة السوداء / ترتع في السماء ترتع
في السماء / لا شيء غير مواكب القتلى / وأنات النساء / لا شيء غير سيوف
داحس التسي / غرسست سهام الموت في الغبراء ۴ (جویده، ۲۰۱۰:
www.sahr.wampire-legend.net)

در ادامه همان قصیده، شاعر به درد کهنه فلسطین اشاره می‌کند و از سرنوشت آن در طول بیش از پنج دهه اشغال و آوارگی مردمانش می‌گوید و فلسطین را سرزمین پیامبران الهی می‌نامد:

ماذا تبقى من بلاد الأنبياء / خمسون عاما / والحناجر تملأ الدنيا ضجيجاً / خمسون عاماً
في المزاد / وكل جلال يحدق في الغنيمه / ثم ينهب ما يشاء / ماتت فلسطين الحزينة /

فاجعوا الأبناء حول رفاتهما / وابكوا كما تبكي النساء / خلعوا ثياب القدس / ألقوا
سرها المكنون في قلب العراق ۵ (همان)

۲-۲-۱-۲-۲-۱-۲-۲ مخالفت با صلح با رژیم اشغالگر

صلح با رژیم غاصب اسرائیل، هر از چند گاهی از سوی برخی حاکمان عرب مطرح شده و این امر همیشه از سوی فرهیختگان مسلمان، نقطه عطفی بر ادامه مبارزه طلبی‌ها و پایداری‌ها در برابر رژیم اشغالگر بوده است؛ چرا که صلح با اسرائیل یعنی پذیرفتن اشغال و همدستی با یک حکومت استکباری. البته در سال ۱۹۷۸ و در زمان انور سادات، رئیس جمهور وقت مصر، معاهده صلح «کمپ دیوید» بین مصر و اسرائیل منعقد شد (نورانی، ۱۳۹۱، ۲۰۵) و این امر موجب اعتراض شدیدی از سوی قشر روشنفکر جامعه عرب گردید و شاعران و نویسندگان، اعتراضات خود را در قالب اشعار تندی چه در قالب طنز و چه در قالب اشعار انقلابی نشان دادند. فاروق جویده نیز از همین شاعران است که نه تنها به آشتی با اسرائیل معتقد نیست، بلکه از منادیان و دعوت‌کنندگان به ایستادگی و مقاومت و رسیدن به آزادی مطلق فلسطینی‌ها به شمار می‌رود. هر چند جویده در برخی قصیده‌های خود، مانند اکثر شاعران مقاومت غیرفلسطینی به مسأله فلسطین بسیار ناامیدانه می‌نگرد و از مرگ این سرزمین تاریخی سخن می‌گوید؛ اما در سایر سروده‌هایش بسیار امیدوار است و با اطمینان زیاد از بازگشت اعراب به فلسطین می‌سراید:

ولن ننساک یا قدس / ستجمعنا صلاة الفجر فی صدرک / ستجمعنا .. دمء قد
سکبناها / وأحلام حلمناها .. / ولن ننساک .. لن ننساک .. یا قدس ۶ (جویده،
۲۰۰۰: ۳۱۱)

جویده در قصیده‌ای دیگر از پیروزی نزدیک مردم فلسطین خبر می‌دهد و این پیروزی را توسط قدس بشارت می‌دهد. قدس که به عنوان رمز وحدت دینی اعراب مشهور شده است، در این قصیده جایگاه نیکویی داشته و در خدمت بازگشت اعراب به هویت دینی‌شان می‌باشد و مهمتر از آن، منظور شاعر از واژه

«الکهان»، همان والیانی هستند که خواهان صلح با رژیم اشغالی بوده و عامل برقراری صلح در پیمان کمپ دیوید شدند:

القدس سوف تحاصر الموتی / ستهدم کل جدران المقابر / القدس تعود
کالبرکان / وسیسقط الکهان کالحشرات ۷ (همان، ۴۱۵-۴۱۷)

۲-۲-۱-۲-۲- لبنان

لبنان از موضوعات دیگری است که فاروق جویده بر روزگار شکوه و عظمت ازدست رفته‌ی آن حسرت می‌خورد و سستی و بی‌تدبیری ملت عرب را در این خصوص مذمت کرده و بیروت را با قرطبه و غرناطه و لبنان را با اندلس مقایسه می‌کند، از دست رفتن شکوه بیروت به معنای نابودی آن نیست، بلکه منظور شاعر از این توصیف و تشبیه آن به شهرهای اندلس اشاره‌ای است کوتاه و پوشیده به رنگ و بوی غربی گرفتن لبنان با همه‌ی خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، لباس‌ها و فراتر از آن، اندیشه‌های ملت و سیاست‌های دولت آن سرزمین، در چنین قصیده‌هایی شاعر هویت اسلامی لبنان را به مردمش گوشزد کرده و با ذکر «مآذن»، «صلاة الفجر»، «دین»، «الله»، «قرآن»، «مساجد» و ... از آن‌ها می‌خواهد که مظاهر و نمادهای اسلام را فراموش نکنند:

برغم الصوت والألقاض یا بیروت / ما زلنا نناجیک / برغم الخوف والسجان
والقضبان / ما زلنا ننادیک / برغم القهر والطغیان یا بیروت / ما زالت أغانیک /
فرغم الصمت ما زالت مآذنتنا / تکبر فی ظلام اللیل / وما زالت صلاة الفجر یا
بیروت / تهدر فی لیالیک ۸ (همان، ۳۳۷)

اختلاط و آمیزش لبنان و افکار مردم آن با سیاست‌های غربی باعث شده که وطن اسلامی و عربی آن کشور یک جا بر باد رود و شاعر، این چنین از سهل-انگاری ملت عرب، زبان به شکوه گشاید و خواهان آشتی دین و وطن و نیز مسجد و منبر باشد:

حرام أن نراک الیوم وسط النار / هل شئت أبادینا .. / فلم نعرف لنا وطانا / ولم نعرف
لنا دینا / ویا بیروت / یا کأسا من الأشواق أسکرنا / ویا وطانا علی الطرقات ألقیناه /

۲۲۰ / هویت اسلامی - عربی و استکبارستیزی در اشعار...

تأمرنا / وبعنا الله والقرآن يا بيروت / لم نخجل لما بعنا / مساجدنا / وأوراق من
القرآن بكينا العمر يا بيروت / عند وداع قرطبة / فهل سنعيد ما كانا؟ ۹ (همان، ۳۳۸)

۲-۲-۱-۲-۴-عراق

جوییده درد کودکان و مردم عراق را از عمق جاننش درک کرده و از جنایت
اشغالگران عراق رنجور است گویا او نیز عضوی از مردم عراق بوده و در کوچه
پس کوچه‌های بغداد می‌گردد و با مشکلات و دردهای مردمش از نزدیک
آشنایی دارد. او در حمایت از مردم عراق، ناامید نبوده و معتقد است که در
آینده‌ای نزدیک صلح را در عراق خواهد دید.

جوییده در چندین قصیده و به شکل‌های مختلف از درد مردم عراق می‌سراید
و شعر خود را بار دیگر بازتاب‌دهنده‌ی اندوه هم‌وطنان عربی و مسلمان خویش قرار
می‌دهد. او در ابیات زیر هجوم اشغالگران سازمان ناتو را به این کشور، همسان با
هجوم قوم تاتار می‌داند که در قرن هفتم هجری از شرق به کشورهای اسلامی
هجوم آورده بودند و اینک اقوامی دیگر همانند تاتار از غرب حمله‌ور شده‌اند:

مادام يحكمنا الجنون سنرى كلاب الصيد تلتهم الأجنة فى البطون / سنرى حقول
القمح ألغاماً وضوء الصبح ناراً فى العيون / سنرى الصغار على المشانق فى صلاة الفجر
جهراً يُصلبون / يقتحم المساجد والكنائس والحُصون / ما دام يحكمنا الجنون /
أطفال بغداد الحزينة / يسألون عن أى ذنب يقتلون / أطفال بغداد الحزينة / فى
الشوارع يصرخون / جيش التتار يندق أبواب المدينة / ويزحف كالوباء والطاعون /
أحفاد هولاء على جثث الصغار يزمجرون / سيموت هولاء... ويعود أطفال العراق /
أمام دجلة يرقصون ۱۰ (جوییده، ۲۰۰۴: www.So7ab.com)

در این قصیده وجود فرایض و نمادهای دینی چون «صلاة الفجر» و «المساجد
والكنائس» و تلمیح قرآنی «يسألون عن أى ذنب يقتلون» به آیه ۹ سوره‌ی تکویر، «بأى
ذنب قُتلت»، نشان می‌دهد که شاعر صرفاً برای ملیت و زبان ملت عراق نمی‌سراید،
بلکه سیادت اسلام برای او امری مهم‌تر است.

۲-۳- استکبارستیزی

استکبار از ماده «کبر» است که در لغت به معنای عظمت و بزرگی آمده (الجوهری، ماده کبر: ۱۰۵) و حالتی است که انسان، نفس خویش را بزرگتر از آن چه هست، بیند. (ابن منظور، ماده کبر: ۱۲۶) استکبار یکی از حالات و ویژگی‌های روحی انسان به معنای ناروا طلب بزرگی کردن بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۷۶) و مستکبر کسی است که می‌خواهد به بزرگی دست یابد و در صدد است که بزرگی خود را به فعلیت برساند و به رخ دیگران بکشد (همان، ج ۱۲: ۲۳۴). در عصر جدید، استکبار در ابعاد مختلفی به جوامع متعدد قدم گذاشته و عده‌ای از سلطه‌جویان و استعمارگران غرب و شرق، در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... به مستضعفان و محرومان جهان و به‌ویژه مسلمانان و کشورهای جهان سوم، ظلم‌های زیادی روا داشته و از آن‌ها بهره‌کشی می‌کنند. استکبار در جوامع متعدد هم به صورت داخلی و در چارچوب مرزهای جغرافیایی کشور و از جانب نظام حاکم دیده می‌شود و هم به صورت خارجی و از طرف نظام‌های امپریالیستی، که برای رسیدن به منافع شخصی و ملی خود، به استعمار کشورهای محروم می‌پردازند.

۲-۳-۱- بیداری اسلامی

منظور از بیداری اسلامی، «بیداری عقل و فکر، بیداری اراده، همت و عزم، بیداری عمل و در کل می‌توان گفت یک بیداری کامل و شامل است» (القرضاوی، ۱۹۹۷: ۱۰). بیداری آغاز حرکت و روانه شدن به سوی فعالیت بوده (همان، ۱۶) و قطعاً این بیداری، ادامه و تجدید حرکت‌های اسلامی و مکاتب فکری و عملی است. حرکت‌هایی که افراد خوش‌فکر، سردمداران آن هستند و تلاششان، بیداری ملت در هر نقطه از سرزمین‌های اسلامی است (همان، ۲۹).

تاریخ گواهی می‌دهد که مردم مصر همیشه علیه استعمار، به پا خاسته و جنگ‌های زیادی را به خاطر اتحاد ملی علیه طاغوت به راه انداخته‌اند (الرفاعی و عبد الواحد الشاعر، بی‌تا: ۶) که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به انقلاب سال ۱۹۱۹ ایشان علیه حکومت استعماری بریتانیا توسط دانشجویان دانشگاه الأزهر به رهبری مصطفی کامل (همان، ۸۴) و انقلاب سال ۱۹۵۲ علیه انحلال احزاب سیاسی نیمه‌مستقل به منظور حرکت در یک مسیر واحد اشاره نمود. (همان، ۱۲۰) در این انقلاب‌ها

جوانان مصر در مبارزه با استکبار علیه کسانی که به منظور استعمار مصر دست-درازی می‌کردند، موجی از خشم بودند و همه‌ی این‌ها به منزله‌ی مقدمه‌ای برای انقلابی بود که از خشم مردم و رغبت ایشان در برپایی اوضاع جدید پرده برمی-داشت، خشمی که از حیطة فردی خارج شده و به حیطة اجتماعی رسید (القرضاوی، ۱۹۹۷: ۲۱).

۲-۳-۱- نقش فاروق جویده در استکبارستیزی، قبل از جریان بیداری اسلامی

استکبار در نظر جویده کشورهای غربی و در رأس آن‌ها سردمداران آمریکا و اسرائیل می‌باشد. اشعار استکبار ستیزانه او نشان می‌دهد که شاعر از بحران هویتی مصر در رنج است و به خاطر از دست رفتن آن‌ها می‌نالند. «بحران هویت زمانی روی می‌دهد که یکی از عوامل و عناصر هویت در خطر بیفتد یا در اثر رویدادها و دگرگونی‌ها پربیشان شود. مهم‌ترین مشخصه‌های جوامعی که دچار بحران هویت ملی می‌باشند به شرح زیر است: الف) بی‌اعتمادی سیاسی. ب) انحطاط اخلاقی جامعه. ج) عدم وجود عدالت اجتماعی در جامعه. د) نابرابری اقتصادی. ه) ضعف حاکمیت و کاهش مشروعیت دولت‌ها. و) وجود و بروز مشکل در توسعه همه‌جانبه و ...» (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۴-۳۲۵). طی چند دهه اخیر و مقارن با حاکمیت انور سادات، مصر شديدا در بحران هویتی بود و مشکلات فوق‌الذکر کشورهای مبتلا به این بیماری جمعی، در مورد مصر نیز صادق است و جویده در لابه‌لای اکثر قریب به اتفاق قصاید خود، از این مشکلات اجتماعی و سیاسی سخن می‌گوید و فریاد می‌زند و مردم را به مبارزه فرامی‌خواند.

فاروق جویده در مقاطع و قصاید متعددی در برابر تعدادی از معروف‌ترین مظاهر استکبار قد علم کرده و با آن‌ها به مبارزه برمی‌خیزد. بوش پدر و پسر دو رئیس جمهور از یک خانواده، از جمله آن‌ها هستند. فعل امر «ارحل» در این قصیده، فریادی است بی‌امان که شاعر، آن را بر سر بوش پسر کشیده و در انتظار رفتن او نشسته است؛ دهن کجی‌های ادبی و سیاسی او نسبت به دیکتاتوری بوش، در این گونه اشعار، خود را بیشتر نشان می‌دهند:

الآن ترحل غیر مأسوف علیک / ارحل وسافر .. / فی كهوف الصمت
والنسیان / فالأرض تنزع من ثراها کل سلطان تجبر.. کل وغد خان ۱۱ (جویده،
۲۰۰۷: www.tariqel3lm.com)

جویده در لابه‌لای طعنه‌های خود، به سیاست‌های بوش در مورد نفت نیز
گریز می‌زند و کاخ سفید را تحقیر کرده و آن‌جا را کاخ دهاتی می‌نامد:
الآن تسکر .. والنبيذ الأسود الملعون / من دمع الضحایا .. من دم الأکفان / فی قصرک
الریفی .. / سوف یزورک القتلی بلا استئذان / ستدور وحدک فی جنون ۱۲ (همان)
شاعر برای نشان دادن انزجار خود و سایر مسلمانان از بوش پدر، از زبان یک
کودک بوسنیایی، نامه‌ای طولانی (۹ صفحه) در قالب شعر نو به او می‌نویسد و
سیاست‌های جنگ طلبانه او را زیر سؤال می‌برد؛ در قصیده‌ی مذکور، شاعر تنها
به خاطر کشورش نمی‌سراید بلکه او مدافع حقوق مسلمانان در بوسنی، عراق،
کویت و سایر کشورهای اسلامی می‌باشد و صدای در گلو مانده مسلمانانی است
که جرأت نالیدن هم ندارند:

یا سیدی بوش العظیم / أنا طفلة من أمة تُدعی بلاد المسلمین / فی أرض بوسنة /
یشرب الأبناء دمع الأمهات / ما عاد فی الوطن الجمیل / سوی الثکالی الباکیات /
حاربت یا مولای یوما فی الکویت / وجنیت منها ما جنیت .. / هل شعب بوسنة لا
یساوی / فی ضمیرک .. بئر زیت / یا سیدی بوش العظیم .. / إن شئت یوماً أو آبیة /
سیظل نور الله فی وطنی / یعانق کل بیت ۱۳ (جویده، ۲۰۰۰: ۵۶۱)

آریل شارون، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، مستکبر دیگری است که فاروق در
برابر اقدامات او در قبال مردم فلسطین، ساکت نمی‌نشیند و به او نامه‌ای سرگشاده
نوشته و به شدت او و سیاست‌هایش را مورد حمله قرار می‌دهد و از فرط
عصبانیت، او را این چنین به یک خوک انسان‌نما تشبیه می‌کند:

قییح وجهک المرسوم من أشلاء قتلاتنا / جبان سیفک المسموم فی أحشاء موتانا /
قییح أنت یا خنزیر کیف غدوت إنسانا / قبیح وجهک الملعون / قبیح یا زمان الیأس /
یصیر وجه القدس فی عینیک أحزاننا / قبیح وجهک الملعون / ویسألنی أمام القبر طفل

/ لماذا لا يزور الموت أوطانا سوانا / أيا الله صار الحق بهتانا / أيا الله صار الملك
طغيانا ۱۴ (جویده، ۲۰۱۰: www.gaoweda.com)

۴-۱-۲- نقش فاروق جویده در استکبارستیزی در طول جریان بیداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی‌های انقلاب‌های مختلف در سرتاسر جهان، اصحاب رسانه می‌باشد که با اطلاع‌رسانی‌های سریع و همه‌جانبه در پیشبرد اهداف انقلابی خود نقش مهمی ایفا می‌کنند و با مشخص کردن مسیر و نشان دادن راه و نیز ارشاد و راهنمایی مردم، راه را برای گشایش و ادامه هدف باز می‌کنند. فاروق جویده یکی از این اصحاب رسانه است که نقش بسزایی در بیداری اسلامی و بهار عربی داشته و قدرت شاعری و قلم سیاسی او در خدمت این رسالت دینی بوده و در تحریک مردم به استکبارستیزی و استبدادگریزی نقش ارزنده‌ای را عهده‌دار بوده است. فاروق جویده در انبوه قصاید خود، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، مردم را به جنگ با ارباب استبداد دعوت می‌کند و مسأله بیداری اسلامی را در چندین قصیده، به صورت مستقیم به مردم گوش زد می‌کند. در این راه، او را به حق می‌توان یکی از پیروان سیدجمال‌الدین اسدآبادی قلمداد کرد، او که مخالف ساده‌اندیشی و تسلیم شدن صرف به قضا و قدر و سرنوشت بود و در سال‌های نه چندان دور، مردم را به بیداری و آگاهی و ژرف‌بینی فرامی‌خواند، اینک جویده، هم‌چون یک مصلح اجتماعی راه او را ادامه می‌دهد و مردم را به تعقل بیشتر دعوت می‌نماید. او در ابیات زیر به افکاری که باعث تیز شدن شمشیر استبداد و تسلیم شدن مردم در زیر یوغ جبر و زور می‌گردد، اعتراض می‌کند:

وسألْتهم ما ذنب أسراب الحمام؟ / قالوا قضاء الله لا تسأل / ولا تسمع سفسطة
العوام / طارت عيون الناس خوفاً / خلف أشلاء الحمام. ۱۵ (جویده، ۲۰۰۰: ۳۲۴)

فاروق جویده شاعر جسوری است که همواره از استبداد مبارک و یارانش و ارتباط او با عوامل استعمار و استثمار انتقاد نموده و او را عامل تمامی محرومیت‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و بحران هویتی سرزمینش معرفی می‌کند و در اواخر دوران حکومت حسنی مبارک، با قصیده‌ای آتشین، با عنوان «ارحل»، از او می‌خواهد دست از استبداد و خودکامگی برداشته و از مصر خارج شود. قطعاً عنوان قصیده

آمیزی است نیکو با شعارها و پلاکاردهای مصریانی که فریاد «ارحل ارحل»
سرمی دادند و فروریزی نظام مبارک را می خواستند:

ارحل کزین العابدین وما نراه أضل منك / ارحل و حزبك فی یدیک / ارحل
فمصر بشعبها وربوعها تدعو علیک / ارحل فإنی ما أری فی الوطن فردا واحدا یهفو
إلیک / لا تنتظر طفلا یتیمما بابتسامته البریئة أن یقبل وجتتیک / ارحل فصوت
الجائعین وإن علا لا تهتدیه بمسمعیك / کم من شباب عاطل أو غارق فی بحر فقر
وهو یلعن والدیك / ارحل وعارک أی عار / مهما اعتذرت أمام شعبک لن یفید
الاعتذار / ولمن یکون الاعتذار؟ / لعیون طفل / مات فی عینیه ضوء الصبح / لدموع
أم لم تنزل تبکی وحیدا / لا شیء یتبکی فی رحلیک ۱۶ (جویده، ۲۰۰۹:
www.abc4.ahlamontada.net)

همان گونه که مشخص است در قصیده مذکور، شاعر برخی مشکلات و
عوامل زمینه ساز بحران هویتی کشورش را در زمینه فقر، گرسنگی، بیکاری
جوانان، گرفتاری مردم و ... برمی شمارد و با تندی بسیار مبارک را عامل آن ها
دانسته و به صورت آشکار و صریح دشمنی اش را با او بیان می کند.

جویده در اواخر عمر حکومت مبارک و در اثنای قیام مردمی مصر در
قصیده ای با عنوان «الأرض قد عادت لنا»، حسنی مبارک را با عنوان فرعون خطاب
کرده و ستم هایش را در حق مردم مصر بازگو کرده و او را عامل نکبت و بدبختی
ملت مصر معرفی نموده و در چند مصرع کوتاه، تلنگری به کشتار مردم در جریان
بیداری اسلامی، نابودی کودکان، اندوه مادران و تندروی های پلیس این کشور
می زند و با کنایه ای تمسخرآمیز او را سرور خود می خواند و می گوید:

یا سیدی الفرعون / هل شاهدت أشلاء الرعايا / سخط الوجوه.. تعاسة الأطفال
/ ذل الفقر.. حزن الأمهات علی الصبایا / أشباحک السوداء فی الطرقات / تشطرننا
شظایا ۱۷ (جویده، ۲۰۱۱: www.prof3laa.com)

۲-۱-۳-۱- شهادت طلبی

شهادت از جمله ارزش های کلیدی و اثرگذار اسلامی است. وجود روحیه
شهادت طلبی در عرصه روابط اجتماعی، سرمایه ای عظیم و قابل اتکا است که

می‌تواند تحقق اهداف انسان‌دوستانه را تسهیل نماید و به شکل‌گیری و توسعه جهانی حق‌مدار و ظلم‌ستیز و برخوردار از آزادی کمک نماید. (جانعلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۲) مفهوم شهادت به عنوان یک آوای صد در صد جمعی از اجتماع، به درون ادبیات راه پیدا کرده (علیپور، ۱۳۹۰: ۳۸۵) و جایگاهی درخور یافته است؛ لذا همیشه شاعران آزادی‌خواه و استکبارستیز به منظور تحریک مردم به مبارزه و قیام علیه جور و استبداد از فرهنگ شهادت‌طلبی بهره گرفته و در مسیر تقویت روحیه مبارزه‌طلبی مردم تا سر حد شهادت در راه خدا و میهن تلاش می‌نمایند. فاروق جویده نیز به عنوان یکی از متعهدترین شاعران معاصر مصر، به مسأله دین و هویت اسلامی عرب و در راستای ایستادگی در برابر استکبار و استبداد، از چنین فرهنگی دفاع کرده و به صورت مستقیم و غیرمستقیم مردم را به پایداری تا حد شهادت و ایثار فرامی‌خواند. او در قصیده بسیار زیبای «بائع الأحلام»، از مردم انقلاب، پایداری و زندگی شرافتمندانه می‌خواهد، او خواهان این است که مردم از گوشه‌های عزلتی که چون قبر بوده و در آن، به جای زندگی، مرگ تدریجی خود را سپری می‌کنند، برخیزند و مبارزه نمایند و در نهایت با عزت تمام به شهادت برسند. این قصیده کلام امام حسین (ع) را به خاطر می‌آورد که شهادت در میدان جنگ توسط هزاران شمشیر را بر مرگ در بستری راحت ترجیح می‌داد، چرا که جویده نیز در مقطع آخر قصیده از مردم می‌خواهد ایستاده بمانند، نه زیر چکمه‌های طاغیان. او با بیان اینکه «ولتحفروا قبری عمیقاً / وادفونونی واقفاً» یک آشنایی زدایی زیبا خلق کرده و از مخاطبان خویش می‌خواهد، ایستاده دفنش کنند، در حقیقت به مقاومت تا آخرین نفس و در پایان، مرگ عزتمند و جاودانه را در سر می‌پروراند:

قوموا من مقابرکم و ثوروا / أحرقوا الأکفان فی وجه الطغاة / کونوا حریقاً أو دماراً / لا تجعلوا قبری ککل الناس / صمتاً أو دموعاً / کلنا موتی / ولیس الآن للموتی حیاة / ولتحفروا قبری عمیقاً / وادفونونی واقفاً / حتی أظل أصیح بین الناس / موتوا وقوفاً / لا تموتوا تحت أقدام الطغاة. ۱۸ (همان، ۴۰۶)

جویده برای نشان دادن اهمیت استکبارستیزی و همچنین شکایت از مردمی که گاه بیداری و مبارزه‌طلبی را فراموش می‌کنند و مهمتر از همه این‌ها، به منظور

ارزش و احترام به شهیدان راه وطن و دین، در یکی از قصاید خود، از شهیدان زنده‌ای سخن می‌گوید که از قبرهایشان به پا خاسته و در کوچه‌ها و خیابان‌ها در مسیر انتفاضه، قیام و انقلاب می‌کنند:

شهداؤنا خرجوا من الأکفان.. / وانتفضوا صفوفاً، ثم راحوا یصرخون.. / عارٌ علیکم
ایها المستسلمون.. / وطنٌ یباع وأمةٌ تتساقق قطعاناً.. / وأنتم نائمون.. / شهداؤنا فوق
المنابر یخطبون.. / قاموا إلی لبنان صلوا فی کنائسها.. / وزاروا المسجد الأقصى.. /
وطافوا فی رحاب القدس ۱۹ (جویده، ۲۰۱۰: www.goweda.com)

۳- نتیجه‌گیری

با بررسی جریان‌ات استکبارستیزی و وطن‌دوستی و نیز پناه بردن به هویت اسلامی و عربی در اشعار فاروق جویده، می‌توان به این نتیجه رسید که شاعر فارغ از تمامی خطرات و تهدیدهای احتمالی در شرایط سیاسی اخیر مصر و با بهره‌گیری از غنای علمی و احساس و عاطفه پاک و انسانی خود و با توسل به آموزه‌ها و نمادهای دینی توانسته است مأموریت و نقش بسیار خطیری را در این برهه خاص بیداری اسلامی و بهار عربی ایفا نماید؛ نقشی که در روشنگری ملت مصر و تکیه بر هویت اسلامی-عربی هم‌وطنانش بسیار مؤثر افتاد و با تلاش‌های او و سایر فرهیختگان و روشنفکران منجر به شکسته شدن ابهت و قداست نظام حسنی مبارک در مصر گردید. فاروق جویده توانست با تاکید بر هویت دینی خود، عشق به وطن را در قلب و ذهن ملت مصر احیا کرده و در مقابل استکبار و امپریالیسم جهانی قد علم کند و ماهیت نظام جور، ظلم، استبداد و استعمار نوین را با سحر بیان خویش اثبات نماید و بی‌شک مهم‌ترین نقش او همان زنده کردن روحیه شهادت و شجاعت در بیان ایده و نظر در خفقان سیاسی کشورهای عربی با تکیه بر هویت اسلامی و تشویق و پشتیبانی مردم در حرکت به سوی بیداری و انقلاب می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱- ای مصر تو را پیکری لاغر می‌بینم / کجاست آن زیبایی و آن شوکت / و کجاست لباس گلگون بهاریت / کجاست آن بوی خوش زعفرانی که تمام فضا را پر می‌کرد /

- هر آن چه تو داشتی ما از تو گرفتیم / به سوی ما باز آ که تو بسیار مهربانی / هر چند که زمان وفا در میان ما مرده است / به سوی ما باز آ که تو مأمن ما هستی / آن گاه که زمین در بند اشقیای زمان گرفتار می شود / با وجود پاییز، زیباییات باقی خواهد ماند / و هر چند که زمان طوفان و سرمای زمستان باشد.
- ۲- مادر جان! خانه همانند کودکی است که می سوزد / اینها گرگ‌های آتش هستند که با اندوه می شتابند / آتش به شهرمان می رسد و ما پناهی نداریم / باغ‌ها و مزرعه‌های ما را خورد / و گنجشک کوچکم را.
- ۳- مادر جان! خانه همانند کودکی است که می سوزد / سینه پر از دود است / فریاد می زند .. سینه‌ام در حال خفه شدن است / مادر جان / آتش به من نزدیک می شود / مادر! من خفه می شوم / مادر جان ...! / مادر جان ...!
- ۴- از سرزمین پیامبران چه چیزی مانده / چیزی جز ستاره سیاه نیست / که در آسمان به خود می چرد .. / چیزی نمانده غیر از تل کشتگان / و ناله‌های زنان / چیزی نمانده غیر از شمشیرهای شکسته‌ای که / تیرهای مرگ را بسان نهالی بر زمین نشاند.
- ۵- از سرزمین انبیا چه چیزی باقی مانده / پنجاه سال می گذرد / و حنجره‌ها با ناله‌های خود دنیا را پر کرده‌اند / پنجاه سال است که به حراج گذاشته شده / و تمامی جلادان بر چپاول این غنیمت چشم دوخته‌اند / سپس هر آن چه می خواهند غارت می کنند / فلسطین غمگین کشته شد / و فرزندانش دور نعش جمع شدند / و گریه کردند آن گونه که زنان می گریند / لباس‌های قدس را بر کردند / و راز پنهانش را بر روی قلب خشکیده‌اش انداختند.
- ۶- ای قدس! تو را فراموش نخواهیم کرد / نماز صبح، ما را در سینه تو جمع خواهد کرد / خون‌هایی که / ریخته‌ایم ما را جمع خواهد کرد / و رویاهایی که داشته‌ایم .. / تو را فراموش نخواهیم کرد .. / تو را فراموش نخواهیم کرد .. ای قدس!
- ۷- قدس مردگان را محاصره خواهد کرد / تمام دیوارهای مقبره‌ها را خواهد شکافت / قدس مانند آتشفشان بازمی گردد / و ساحران همانند حشرات فرو خواهد ریخت.
- ۸- علی‌رغم همه سکوت‌ها و مخالفت‌ها ای بیروت / هم‌چنان با تو به مناجات می‌نشینیم / علی‌رغم خوف و زندان و در بند ماندن‌ها / هم‌چنان صدایت می‌زنیم / ای بیروت! علی‌رغم همه سخت‌گیری‌ها و زیاده‌خواهی‌ها / هم‌چنان با تو نغمه می‌سراییم / با وجود سکوت، گلدسته‌هایمان / در تاریکی شب، بانگ الله اکبر برمی‌آورند / و پیوسته نماز صبح ای بیروت / در شب‌های تو جاری است.
- ۹- بر ما حرام است که امروز تو را در میان آتش، اسیر بینیم / ای دست‌های ما فلج شد .. / و از این روست که برای خود وطنی شناختیم / و برای خود دینی شناختیم / و ای

بیروت .. / ای جامی سرشار از شوق که با آن مست گشتیم / و ای وطنی که آن را در برابر دست‌اندازی‌ها انداختیم / توطئه کردیم / و خدا و قرآن را یک‌جا فروختیم / ای بیروت! / و از آنچه فروختیم شرم‌نده نشدیم / مساجدمان را / و برگهایی از قرآن را / ای بیروت سراسر عمر گریه کردیم / آن‌گاه که قرطبه را از دست دادیم / آیا آن چه داشتیم باز خواهیم یافت؟

۱۰- جنون هم‌چنان در میان ما حکم می‌راند و خواهیم دید که چگونه سگ‌های شکاری جنین‌ها را در شکم‌ها می‌درند / خواهیم دید مین‌ها را هم‌چون کشتزارهای گندم و آفتاب صبحدم را هم‌چون آتشی در چشم‌ها / و کودکان را به هنگام نماز صبح خواهیم دید چگونه آشکارا به دار آویخته می‌شوند / چگونه مساجد و کلیساها و دژهایمان درنوردیده می‌شوند / جنون هم‌چنان در میان ما حکم می‌راند / کودکان محزون بغداد / بر کدامین گناه کشته می‌شوند / کودکان محزون بغداد / در خیابان‌ها فریاد می‌کشند / و ارتش تاتار بر درگاه‌های شهر می‌کوبند / و هم‌چون وبا و طاعون به کمین نشستند / نوادگان هولاکو بر روی نعش کودکانمان نعره می‌کشند / هولاکو بزودی خواهد مرد / و فرزندان عراق باز خواهند گشت / در حالیکه در برابر رود دجله می‌رقصند.

۱۱- الان می‌روی و کسی بر رفتنت تأسف نخواهد خورد / برو و سفر کن / در غارهای سکوت و فراموشی / و زمین از خاکش برمی‌کند / هر سلطانی را که ستم کند و هر پست‌فطرتی را که خیانت ورزد.

۱۲- الان میگساری می‌کنی ... و آن شراب سیاه نفرین‌شده / از اشک قربانیان .. از خون کفن‌ها / در قصر دهاتی‌ات ... / در آینده‌ای نزدیک، کشتگان بی‌آنکه از تو اجازه بگیرند دیدارت خواهند نمود / در تنهایی و در جنونت خواهی گشت.

۱۳- سرورم بوش بزرگ! / من دخترکی هستم از ملتی که سرزمین مسلمانان نامیده می‌شود / در سرزمین بوسنی / کودکان اشک مادران را می‌خورند / در میهن زیبای ما چیزی نمانده / غیر از زنان فرزندمردۀ گریان / مولای من! روزی در کویت جنگیدی / و هر چه می‌خواستی تصرف کردی ... / آیا ملت بوسنی مساوی نیست / در نظر تو ... با چاه نفت ... / سرورم بوش بزرگ! ... / بخواهی یا نخواهی یک روز / نور خدا به وطنم خواهد تابید / و همه خانه‌ها را دربر خواهد گرفت.

۱۴- چهره ترسیم‌شده‌ات از پاره‌های بدن‌های کشته‌های ما زشت است / شمشیر سمی تو در بدن مردگان ما ترسان است / ای خوگ! تو زشت و کثیف هستی، چگونه به شکل انسان در آمدی / چهره‌ی ملعونت زشت است / ای زمان ناامیدی تو زشت هستی / چهره‌ی قدس در برابر دیدگان به حزن و اندوه تبدیل می‌شود / صورت ملعون تو

- زشت است / کودکی در مقابل قبر از من می‌پرسد / چرا مرگ غیر از میهن ما، به دیدار سرزمین‌های دیگر نمی‌رود / ای خدا! حق به بهتان تبدیل گشته است / ای خدا! حکومت به طاغوت تبدیل گشته است.
- ۱۵- از ایشان پرسیدم که گناه دسته‌های کبوترها چیست؟ / گفتند: قضا و قدر الهی است، سوال نکن / مغالطه مردم عوام را نشنو / چشمان مردم از روی ترس به پرواز درآمد / پشت اجزای بدن کبوتران.
- ۱۶- برو هم چون زین العابدین [پادشاه تونس] که او را گمراه‌تر از تو نمی‌دانم / برو که حزبت در دستان توست / برو که ملت و مرز و بوم تو را نفرین می‌کند / برو که من گمان نمی‌کنم کسی در وطن برایت خوش آمد بگوید / منتظر نباش که طفل یتیمی با آن تبسم معصومانه‌اش بوسه بر صورتت زند / برو که هیچ‌گاه ناله گرسنگان هر چند که بلند باشد به گوش تو نخواهد رسید / چه بسیار جوانان بیکار و غرق در فقر و نداری، که والدینت را لعنت می‌کنند / با ننگت برو که ننگت بسیار بزرگ است / هر قدر در برابر ملتت اعتدال کنی فایده‌ای نخواهد داشت / از چه کسی عذر می‌خواهی؟ / از چشم‌های کودکی که / روشنایی صبح در چشمش مرده است / از اشک‌های مادری که همیشه تنها گریه می‌کند / هیچ کس برای رفتن تو اشکی نخواهد ریخت.
- ۱۷- سرورم فرعون / آیا اندامهای [پاره پاره‌ی اجساد] مردم را می‌بینی / خشم چهره‌ها .. بدبختی کودکان را .. / ذلت فقر .. اندوه مادران بر کودکانشان را / اشباح سیاهت در گردنه‌ها / اجسادمان را به دو نیم می‌کنند.
- ۱۸- از قبرهایتان برخیزید و انقلاب کنید / کفن‌ها را در مقابل دیدگان طاغیان بسوزانید / آتش و کشتار باشید / قبرم را مانند قبر سایرین نسازید / در سکوت و اشک / همگی مردگانیم / و اکنون برای مردگان زندگی نیست / قبر من را عمیق حفر کنید / و ایستاده دفن نمایید / تا میان مردم فریاد بزنم / ایستاده بمیرید / زیر قدم‌های طغیان‌گران جان ندهید.
- ۱۹- شهیدانمان از کفن‌ها بیرون آمده‌اند / در صف‌هایی قیام کرده سپس فریاد می‌زنند / ننگ بر شما ای تسلیم‌شدگان / وطن فروخته شده و ملت به بردگی کشیده می‌شوند / شهیدان ما بالای منبرها خطبه می‌گویند / به لبنان رفته و در معابدشان نماز خواندند / و مسجد الاقصی را زیارت کردند / و قدس را طواف نمودند.

فهرست منابع

۱. القرآن الکریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، **لسان العرب**، ج ۵، ط ۳، بیروت: دار صادر.
۳. اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۶)، **زمستان**، ج ۱۵، تهران: مروارید .

۴. جانعلیزاده، حیدر، (۱۳۸۸)، **چالش‌های ترویج فرهنگ شهادت در جامعه**، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۱۴، صص ۱۱۱-۱۲۶.
۵. الجوهری، إسماعیل، (۱۲۷۰)، **الصحاح فی اللغة**، ج ۲، لبنان: دار الکتب العربیة.
۶. جویده، فاروق، (۲۰۰۰)، **المجموعة الكاملة**، ط ۶. القاهرة: مرکز الأهرام التجاریة للترجمة والنشر.
۷. دوران، بهزاد، (۱۳۸۳)، **گفتمان‌های هویت در ایران با تاکید بر هویت‌های ملی و دینی در کتاب آموزش و پرورش و گفتمان‌های نوین**. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۸. الرفاعی، عبد العزیز وحسین عبد الواحد الشاعر، (د.ت)، **الوحدة الوطنية فی مصر عبر التاريخ**، التقديم: سید مرعی. د.ط. القاهرة: عالم الکتب.
۹. الشرفاوی، محمود، (د.ت)، **تأملات فی الميثاق الوطني**، د.ط. الإسكندرية: الدار القومية للطباعة والنشر.
۱۰. شیخاوندی، داود، (۱۳۸۰)، **ناسونالیسم و هویت ایرانی**، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۱. الطباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۱۷، ط ۵، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. علوش، ناجی، (۱۹۸۶)، **الوطن العربی الجغرافية الطبيعية البشرية**، ط ۱، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۱۳. علیپور، پوران، (۱۳۹۰)، **نشانه‌شناسی هیپوگرام مفهومی شهادت در شعر دفاع مقدس**، نشریه ادبیات پایدارى. دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
۱۴. غالی الدهبی، إدوار، (د.ت)، **النموذج المصری للوحدة الوطنية**. القاهرة: دار قباء للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۵. القرضاوی، یوسف، (۱۹۹۷)، **الصحة الإسلامية وهموم الوطن العربی والإسلامی**، ط ۲، القاهرة: مكتبة وهبة.
۱۶. قریب، محمد، (۱۳۷۰)، **واژه‌نامه نوین**، تهران: بنیاد.
۱۷. گودرزی، حسین، (۱۳۸۴)، **گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران**، اول، تهران: تمدن ایرانی.
۱۸. مالرب، میشل، (۱۳۷۹)، **انسان و ادیان**، ترجمه: مهران توکلی، تهران: نشر نی.
۱۹. معین، محمد، (۱۳۷۷)، **فرهنگ معین**، ج ۶، تهران: امیرکبیر.
۲۰. منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۵)، **دین و هویت**، اول، تهران: تمدن ایرانی.

۲۱. میرمحمدی، داود، (۱۳۸۳)، **گفتارهایی در باره هویت ملی در ایران، اول**، تهران: تمدن ایرانی.

منابع اینترنتی

- ۱- جویده، فاروق. (۲۰۰۴). www.So7ab.com
- ۲- _____، (۲۰۰۷). **منتدی صاحب الأديبة**.
www.tariqel3lm.com
- ۳- _____، (۲۰۰۹). **منتدی الشعر والشعراء**.
www.abc4.ahlamontada.net
- ۴- _____، (۲۰۰۹). **منتدی علوم المنصورة**.
www.montatadalhilal.com
- ۵- _____، (۲۰۱۰). www.sahr.wampire-legend.net
- ۶- _____، (۲۰۱۰). **سایت الموسوعة العالمية للشعر العربي**.
www.adab.com
- ۷- _____، (۲۰۱۱). **منتدی التريكة اويمة العام**.
www.treika.com
- ۸- _____، (۲۰۱۱). **منتدی الأصم دقاء**.
www.prof3laa.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی